



Semantic Analysis of Sacred Space and Spiritual Space in the Muslim Home from the Perspective of Islam

Farnoosh Ghaffari

Ph.D. Student, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin. Iran.

Hafezeh Poordehghan

Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Esmail Shieh

Associate Professor, School of Architecture and Urban Studies, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Seyyed Hossein Nasr

Professor, Department of Religion, George Washington University, Washington, D.C., USA.

Mehdi Khakzand*

Associate Professor, School of Architecture and Urban Studies, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Received: 2024/11/18

Accepted: 2025/03/10

Abstract

In Islamic thought, sanctity is not confined to formally recognized religious sites; it permeates daily environments, including the home. Sacred and spiritual spaces, though often conflated, constitute distinct conceptual categories that warrant semantic clarification. This article examines the nuanced relationship between these two types of space within Muslim domestic life, addressing two primary questions: How does the concept of sacred space in the home differ from that in formally designated religious places? And what is the conceptual relationship between sacred space and spiritual space in the Muslim home?

Employing a qualitative, interpretive-historical methodology, the study draws upon religious texts, traditional practices, and documented examples to analyze the semantic and functional dimensions of these spaces. Findings indicate that sacred space in the home operates under different conditions and rules compared to institutional religious spaces. Key distinctions emerge in areas such as the “fixed versus conditional” nature of sanctity, the behavioral prerequisites for sacredness, and the dynamic between sacred and spiritual dimensions.

The research further reveals that spiritual space functions as a precursor to sacred space within the home. Sacred space arises as an outcome of practices rooted in personal spirituality, reflecting a causal relationship in which inner spiritual awareness enables the manifestation of sanctity in the domestic environment. These insights contribute to a clearer theoretical framework for understanding how Islamic principles shape the experience of sacredness in everyday living spaces.

Keywords:

Sacred Space,
Spiritual Space,
Muslim Homes.

© 2025 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Citation: Ghaffari F, poordehghan H, Shieh E, Nasr S H, Khakzand M. (2025). Semantic Analysis of Sacred Space and Spiritual Space in the Muslim Home from the Perspective of Islam. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 13 (2): 87-102.

[10.61186/jria.13.2.5](https://doi.org/10.61186/jria.13.2.5)

* *Corresponding Author:* mkhakzand@iust.ac.ir



تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه مسلمانان از منظر اسلام*

فرونش غفاری

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

حافظه پوردهقان

استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

اسماعیل شیعیه

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

سید حسین نصر

استاد گروه مطالعات اسلامی، دانشگاه جرج واشنگتن، امریکا.

مهدی خاک‌زند**

دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

مفهوم تقدس فراتر از مفهوم مقدساتی است که به رسمیت شناخته شده‌اند. بسیاری از فضاهای مقدس، صرفاً برای عبادت مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، از این‌رو نیاز به درک تنوع در فضاهای مقدس، از جمله از نظر نحوه استفاده از آنها وجود دارد. از دیدگاه بسیاری از ادیان و آیین‌های سنتی از جمله اسلام هیچ تفاوت ذاتی در محیط بر ساخته از جهت امر قدسی و غیر قدسی وجود ندارد؛ بدین سبب خانه می‌تواند مفهومی باشد که به مانند فضایی مقدس عمل کند. از سویی تمرکز مشترک فضای مقدس و فضای معنوی بر امر متعالی سبب گردیده، در برخی از مفاهیم ادبی این دو عبارت در کنار یا به جای یکدیگر به کار روند. این در حالی است که فضای مقدس و فضای معنوی شامل برخی مفاهیم متمایز از یکدیگر می‌باشند که این امر ما را ملزم می‌دارد در درک مفهوم تقدس در فضای خانه، جایگاه معنایی هر یک از این دو عبارت و نسبت میان آنها مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو، در این مقاله برای روشن شدن مفهوم «فضای مقدس» در خانه‌های مسلمانان به دو مسئله پرداخته می‌شود. اول آنکه، اگرچه از منظر اسلام فضای مقدس مفهومی است که تنها متعلق به اماکن مذهبی نمی‌باشد اما، چه تفاوتی‌هایی می‌تواند در مفهوم فضای مقدس در اماکن مقدس مذهبی با مفهوم فضای مقدس در خانه وجود داشته باشد؟ و دوم هر چند «فضای مقدس» و «فضای معنوی» دو عبارتی است که مکمل یکدیگرند اما دارای مفاهیمی متمایز می‌باشند، لذا این سوال مطرح است که، چه نسبت مفهومی میان فضای مقدس و فضای معنوی در خانه‌های مسلمانان برقرار است؟ این مقاله دارای رویکردی کیفی و بر پایه روش تفسیری-تاریخی می‌باشد. داده‌ها مبتنی بر مستندات، بحث‌های تفسیری و مصداقی و فیش‌برداری، گردآوری و با استفاده از استدلال استقرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین شواهدی در ارتباط با موضوع، مورد بررسی قرار گرفته و پس از تفسیر، نتایج تفسیرها استدلال، و در نهایت خروجی مشخصی ارائه می‌شود. نتایج این مقاله نشان می‌دهد فضای مقدس در خانه و اماکن مقدس مذهبی از مفاهیم و قوانین متفاوتی پیروی می‌کنند که بخشی از این تفاوت‌ها در «ثابت و مشروط بودن فضای مقدس»، «نسبت میان فضای مقدس و رفتار»، و «نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی» قابل مشاهده است. از سویی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه دارای نوعی رابطه علی با یکدیگر می‌باشند، که در این رابطه فضای معنوی پیش زمینه فضای مقدس و فضای مقدس معلول رفتاری است که در نتیجه معنویت درون فردی تجلی می‌یابد.

واژگان کلیدی: فضای مقدس، فضای معنوی، خانه مسلمانان.

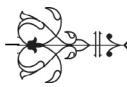
ارجاع به مقاله: غفاری فرونش، پوردهقان حافظه، شیعیه اسماعیل، نصر سید حسین، خاک‌زند مهدی. (۱۴۰۴). تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه

مسلمانان از منظر اسلام، پژوهش‌های معماری/اسلامی، ۱۳(۲): ۸۷-۱۰۲.

doi: 10.61186/jria.13.2.5

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بررسی مفهوم خانه در شهر مسلمان معاصر در ایران و مقایسه آن با مبانی وحدت معنوی-فضایی ناشی از سنت اسلامی» است که به راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم و مشاوره نویسنده چهارم و نویسنده پنجم در حال انجام است.

mkhakzand@iuist.ac.ir **



نتیجه اشاره دارند که تقدس محدود به اماکن مذهبی نیست و می‌تواند به فضاهایی مانند خانه نیز تعمیم یابد، دیدگاهی که از منظر اکثر ادیان از جمله اسلام تأیید می‌شود. برای نمونه، سیمینز به فضای مقدس در آیین یهود اشاره دارد و معتقد است که قدوسیت مکان در یهودیت نسبی است؛ هر جا که احکام تورات رعایت شود، آن مکان مقدس خواهد بود. او همچنین تخریب معابد را دلیل اهمیت خانه‌های یهودیان به عنوان فضایی مقدس می‌داند (Simmins 2011, 27_31). در آیین‌های هندو و زرتشتی نیز باور بر این است که برای شکل‌گیری درست رفتار دینی، خانه باید فضایی مقدس باشد، زیرا بیشتر آموزش دینی در خانه صورت می‌گیرد (Mazamdar 1993, 239-234).

در اسلام، فضای مقدس تنها به اماکن مذهبی محدود نمی‌شود و می‌تواند با مفهوم خانه نیز پیوند یابد. برای مثال، عمر در پژوهش خود تحت عنوان «آموزه‌هایی از قرآن در ارتباط خانه» به اهمیت خانه از زوایای مختلف پرداخته و آن را «اولین و تأثیرگذارترین مرکز آموزشی» و همچنین «نمکانی مقدس یا عبادتگاه» می‌داند. او با تأکید بر اهمیت خانه در فرهنگ اسلامی بیان می‌کند که بهترین روش در تشخیص و درمان بیماری‌های یک جامعه، روشی است که نقش نهاد خانواده در کانون توجه قرار گیرد. به گفته او، برخی از علل اصلی انحطاط تمدن اسلامی، اگر به درستی بررسی شود، می‌تواند به نحوی به موضوع پیچیده مسکن و افول و علل آن مربوط باشد و به همین ترتیب، برخی از درمان‌های اصلی احیای تمدن اسلامی را می‌توان درست در محدوده موضوع احیای خانه اصیل اسلامی یافت. بخشی از نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نهاد مسجد در نقش کانون توسعه جامعه و نهاد خانه در نقش کانون توسعه خانواده دو نقش مکمل یکدیگر هستند و از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند (Omer 2009, 59_93). در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مفهوم فضای مقدس در معماری سنتی ترکیه»، دونداز به تحلیل مفهوم «فضای مقدس» در ساختمان‌های مسکونی سنتی ترکیه پرداخته و سعی در روشن کردن بازتاب سبک زندگی و باورهای مذهبی ساکنان در تجلی مفهوم تقدس در فضای خانه دارد. او با پرسشی درباره اینکه «چه عاملی به فضا تقدس می‌بخشد؟» عنوان می‌کند که بحث درباره مفهوم «فضای مقدس» از مفهوم «فضای زندگی» آغاز می‌شود و فضای مقدس را به عنوان فضایی مذهبی یا معنوی معرفی می‌کند، زیرا فعالیت‌های مذهبی به مکان تقدس می‌بخشند. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهند که تقدس به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و نشانگر نمادینی ندارد، این موضوع در ارتباط با خصوصیات فیزیکی یک فضا نیست، بلکه معنایی است که از طریق آداب و رسوم،

۱. مقدمه

پذیرش این اصل که جوامع اسلامی و شهرهای سنتی بر اساس جهان‌بینی و باورهای اسلامی هدایت می‌شوند -اگرچه در شهرهای معاصر این تطابق جای بحث دارد- نشان می‌دهد که اماکن مقدس، به ویژه مسجد، نقشی مهم در هدایت و گسترش باورهای اسلامی و بازتاب آن در جامعه دارند. از منظر اسلامی «هر مکانی در ساختار شهر اسلامی می‌تواند فضایی مقدس باشد» (Omer 2009, 59_83). اگر خانه را نیز فضایی مقدس و به تعبیری مقیاس کوچک مسجد بدانیم، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مفاهیم و قوانین فضای مقدس در خانه و اماکن مذهبی لزوماً از یک مسیر پیروی نمی‌کنند. از این رو، این پرسش مطرح است که تفاوت‌های فضای مقدس در خانه و اماکن مذهبی چیست؟ از سوی دیگر، «معنویت» واژه‌ای است که گاهی همراه یا به جای مفهوم «تقدس» به کار می‌رود، در حالی که این دو مفهوم از نظر بار معنایی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اگر خانه را به طور کلی مفهومی مستقل از تقدس بدانیم، آنگاه این فرض می‌تواند وجود داشته باشد که مفاهیمی مانند معنویت می‌توانند در تجلی تقدس در خانه نقش داشته باشند. همچنین، تفاوت معنایی میان تقدس و معنویت این پرسش را مطرح می‌کند که آیا فضای مقدس می‌تواند فضایی معنوی باشد و برعکس، آیا فضای معنوی، فضایی مقدس است؟ از طرفی نقطه مشترک این دو مفهوم در تأکید بر امر متعالی، مشخصاً می‌تواند به نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی اشاره داشته باشد و تأکیدی بر رابطه علی میان این دو مفهوم باشد.

این مقاله با فرض «خانه به عنوان فضایی مقدس» و با هدف درک فضای مقدس در خانه‌های مسلمانان، به تحلیل و تبیین نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی در خانه مسلمانان از منظر اسلام می‌پردازد؛ موضوعی که در پیشینه پژوهش کمتر مورد توجه قرار گرفته و این تحقیق درصدد بررسی آن است. برای این منظور، ابتدا تعاریف محتوایی و معنایی از واژگان «مقدس» و «معنویت» ارائه می‌شود و سپس تحلیل ساختاری فضای خانه از منظر این دو مفهوم بررسی می‌گردد. در ادامه، مفاهیم حاصل از تبیین فضای مقدس و فضای معنوی به صورت تطبیقی مقایسه شده و در نهایت، ارتباط متقابل میان شاخص‌های هر یک از این دو مفهوم و نحوه تجلی آنها در معنای خانه مسلمانان تحلیل می‌شود.

۲. پیشینه‌های بررسی موضوع

مطالعات متعددی درباره مفهوم تقدس و فضای مقدس، به ویژه در خانه، انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها به این



۳. روش بررسی

این تحقیق دارای رویکردی کیفی و بر اساس روش تحقیق تفسیری-تاریخی است. جهت جمع‌آوری داده‌ها، به مطالعه و تحلیل محتوای مستندات، بحث‌های تشریحی و مصداقی و فیش‌برداری پرداخته شده است و با استفاده از استدلال استقرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین در ارتباط با موضوع‌های مطرح، قراین و شواهد مربوط شناسایی و ساماندهی شده و سپس مورد ارزیابی قرار گرفته است. به این ترتیب که در بخش نخست، ابتدا داده‌ها جهت تعریفی معنایی از واژه تقدس و معنویت گردآوری شده است و سپس با هدف کاهش داده‌ها و درک بهتر، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد طبقه‌بندی قرار گرفته‌اند. سپس به منظور تشریح داده‌های حاصل در کالبد معماری به طور مشخص به تبیین ساختار فضا از مفهوم تقدس و معنویت در خانه و ابزارها و شاخص‌های مورد نیاز آن پرداخته شده است. در گام بعد شاخص‌های استخراج شده مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته و سپس با استفاده از استدلال استقرایی و در مدلی مفهومی، عملکرد متقابل میان شاخص‌ها تعیین و نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی در ساختار خانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. چهارچوب نظری

۴-۱. تعریف محتوایی واژگان مقدس و معنوی

واژه «مقدس» (Sacred) و «معنوی» (spiritual) ارتباط معنایی دارند و هر دو به امر متعالی اشاره می‌کنند. «Sacred» از واژه لاتین «sacer» به معنای مقدس کردن گرفته شده است. فرهنگ لغت آکسفورد «مقدس» را به‌عنوان چیزی که نزد خدا عزیز یا برای مقاصد مذهبی متمایز شده باشد، تعریف می‌کند. واژه «spiritual» نیز از لاتین «spiritualis» مشتق شده است و «spirituality» معادل «spiritualitas» است (حمیدیه ۱۳۹۶، ۸۱). شلدراک معتقد است spirit و spiritual در مقابل «تن انسانی» هستند، نه در برابر جسمانی یا مادی. این تقابل میان دو رویکرد به زندگی است (Sheldrake 2007). با توجه به دیدگاه شلدراک، در حالی واژه مقدس به روشنی اشاره به عواملی دارد که به واسطه باورها و آیین‌ها مقدس شمرده می‌شوند (Durkheim 1912) اما درک واژه معنوی می‌تواند دارای ابعاد متفاوتی باشد.

برخی مانند لوئیس، تاکاهاشی و کینگ اشاره کرده‌اند که معنویت مفهومی گسترده است و در میان فرهنگ‌ها و گروه‌های دینی مختلف، معانی متفاوتی دارد (Lewis 2004).

اعتقادات ساکنان و فعالیت‌های آیینی به مکان نسبت داده می‌شود (Dündar 2012, 99_103). کیرانتانوت نیز میان «فضای مقدس» در خانه و «سازماندهی فضایی» آن پیوندی قائل است. او فضای مقدس را بخشی از میراث فرهنگی ناملموس می‌داند که به‌عنوان «میراث فرهنگی زنده» می‌تواند در شکل‌گیری معماری خانه نقش داشته و ابزار کنترل رفتارها و بازتاب‌دهنده موقعیت اجتماعی ساکنان باشد. او «مفهوم فضای مقدس و نحوه تجلی آن در سازماندهی فضایی خانه را اینگونه بیان می‌کند: «فضای مقدس در خانه، نتیجه نظام‌های فکری منتقل‌شده از نسلی به نسل دیگر است و در سازماندهی فضایی خانه تجلی می‌یابد. این فضا، که می‌تواند از محراب تا گوشه‌ای از اتاق را شامل شود، با آیین‌ها و تشریفات متمایز شده و نشان‌دهنده احترام به باورها و جایگاه اجتماعی اعضای خانه است» (Chiranthanut 2020, 19_21).

برخی دیگر از مطالعات به مرزهای فیزیکی فضای مقدس در خانه‌های مسلمان پرداخته‌اند. هندرا سیوی در مقاله «حفظ پایداری اجتماعی از طریق مرزبندی فضاهای مقدس در خانه‌های مسلمانان» اشاره می‌کند که مکان مقدس در این خانه‌ها به مکان خاصی محدود نمی‌شود و اجرای مراسم دینی می‌تواند در هر مکانی به شرط رعایت شرایط فضایی خاص انجام داد که این امر به واسطه ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی تجلی می‌یابد (Hendra Siwi et al. 2020, 133_143). سیمینز نیز فضای مقدس را در خانه‌های مسلمانان دارای مرز می‌داند و معتقد است این مرزبندی با «فضای سجده» و «گردش کفش‌ها در مکان»، که توسط حرکت و کنش ساکنان ایجاد می‌شود، ارتباط دارد (Simmins 2011, 8).

نتایج پژوهش‌ها درباره فضای مقدس در خانه چند مسئله را مطرح می‌کند که این مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازد. نخست، مرزبندی فیزیکی فضای مقدس در خانه نوعی ابهام در درک این مفهوم ایجاد می‌کند، به‌ویژه اینکه «مفهوم فضای مقدس در اسلام که مرتبط با فعالیت‌های روزمره است» (El Guindi 1999) می‌تواند با این ادعا نقض گردد. دوم، اگر فرض بر این باشد که خانه فضایی مقدس است و می‌تواند «به‌عنوان فضای معنوی نیز تلقی شود» (Dündar 2012, 99-103)، باید نسبت میان فضای مقدس و معنوی روشن شود، زیرا این دو در برخی متون مترادف دانسته می‌شوند. و در آخر، موضوع نسبت میان فضای مقدس خانه و اماکن مقدس مذهبی (خصوصاً مسجد) مطرح است؛ «اگر خانه و مسجد دو نهاد مکمل هستند» (Omer 2009, 59_93)؛ باید مشخص شود چه تمایزاتی میان این دو در مفهوم فضای مقدس وجود دارد.



که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا معنویت مستقل از دین است؟ و در سنت اسلامی، این دو دارای چه نسبتی می‌باشند؟

حمیدیه درباره نسبت دین و معنویت معتقد است که عقلانیت و معنویت ریشه در فطرت انسان دارند و مستقل از دین هستند، هر چند دین می‌تواند از معنویت سرچشمه بگیرد. نلسون نیز معنویت را به‌عنوان رابطه شخصی با امر متعالی و جدا از دین می‌داند (Nelson 2009). اما سید حسین نصر، معنویت را در پیوند با دین و برگرفته از قرآن و سنت می‌بیند (نصر ۱۳۸۹). در سنت اسلامی، دین و معنویت هم‌افزا بوده و توحید، محور این رابطه است که بر جنبه‌های مذهبی و معنوی تأثیر می‌گذارد (Johnson 2019; Mohd Amin, Ahmad, and Abdul Rahim 2018). در جدول ۱، ابعاد مفهومی و شاخص‌های معنویت نمایش داده شده است.

(Takahashi 2003; Roehlkepartain et al. 2006). هیل معنویت را بعدی تجربی و شخصی از رابطه با امر متعالی می‌داند (Hill et al. 2000). روف چهار عنصر معنویت را، هدفی فراتر از خود، ادراک، آگاهی درونی و انسجام شخصی معرفی می‌کند (Roof 1999, 35). آشنایدرز معتقد است معنویت انسجامی ایجاد می‌کند که ما را به حقیقتی وسیع‌تر متصل کرده و توانایی ما را برای تعالی تقویت می‌کند (Schneiders 1998, 11). فیلیپ شلدراک معنویت را کمکی برای رسیدن روح به ظرفیت کامل خود می‌داند (Sheldrake 2007, 2). همه این تعاریف به بُعد شخصی رابطه فرد با امر متعالی اشاره دارند. با این حال، حمیدیه، معنویت را مستقل از دین می‌داند و تفاوت آنها را توضیح می‌دهد: دین به امر قدسی با قالب نهادی توجه دارد، در حالی که معنویت به معنا و تعالی فردی معطوف است (حمیدیه ۱۳۹۶، ۷۹). اما سوالی

جدول ۱. ابعاد مفهومی معنویت و فضای معنوی

مقوله اصلی	مقوله	رمز
معنویت الزاما با دین در ارتباط نیست	معنویت مفهومی مستقل از مفهوم دین	معنویت مفهومی مستقل از مفهوم دین (حمیدیه ۱۳۹۶، ۷۹)
	معنویت می‌تواند دارای چهارچوب مذهبی باشد یا نباشد	معنویت جهت دستیابی به معنای متعالی درک می‌شود و ممکن است شامل چارچوب‌های مذهبی باشد یا نباشد (Smith and Roeser 2019).
	معنویت مفهومی جدا از دین	معنای معنویت در بعد شخصی رابطه ما با امر متعالی در مقابل معنای دین در بعد اعمال و عقاید سازمانیافته است (Nelson ۲۰۰۹، ۸).
معنویت اسلامی ریشه در دین اسلام	معنویت اسلامی ریشه در دین	منابع دوگانه معنویت اسلامی از سویی قرآن و از دیگر سو سنت پیامبر است (نصر ۱۳۸۹، ۱۵)
	در هم تنیدگی رابطه معنویت اسلامی و دین	معنویت در اسلام فراتر از اعمال مذهبی است و دین چارچوبی ساختاریافته برای هدایت این اعمال فراهم میکند (Mohd Amin, Ahmad, and Abdul Rahim 2018).
	ارتباط معنویت اسلامی و دین بر پایه توحید	محور اصلی ارتباط میان معنویت اسلامی و دین، مفهوم توحید است که به‌عنوان هسته اعتقادات اسلامی، هم جنبه‌های مذهبی و هم معنوی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Mohd Amin, Ahmad, and Abdul Rahim 2018)
معنویت بعد درونی فرد با امر متعالی	معنویت و دین دارای رابطه هم افزا	رابطه معنویت اسلامی با دین رابطه‌ای هم‌افزا است؛ دین ساختار ارائه می‌کند، در حالی که معنویت عمق و معنای شخصی را به آن می‌افزاید. (Johnson 2019)
	معنویت بعد شخصی فرد با امر متعالی	معنویت به معنی بعد تجربی و شخصی رابطه ما با امر متعالی (Hill et al. 2000).
	معنویت نوعی آگاهی درونی جهت تعالی	معنویت شامل منبعی از ارزش‌ها برای دستیابی به تعالی، نوعی ادراک و فهم، آگاهی درونی، و انسجام و تمامیت شخصی است (Roof 1999, 35).
	معنویت وحدتی درونی جهت تعالی	معنویت موجب وحدت درونی و تقویت توانایی ما برای تعالی شدن (Schneiders 1998, 11).
	معنویت نوعی بصیرت جهت تعالی	معنویت هر نوع بصیرت نسبت به روح انسانی است و شامل هر آن چیزی است که به تحقق کامل ظرفیت‌های روح کمک کند (Sheldrake 2007, 2)
	معنویت چرخش قطب نمای فکری به سوی امر متعالی	معنویت به‌منزله چرخش قطب‌نمای فکری، احساسی و جسمانی انسان به سوی امر فرامادی، متعالی و مقدس است (حمیدیه ۱۳۹۶، ۷۹).





(Hassner 2009). بنابراین تقدس مکان‌های مذهبی مانند مساجد و کلیساها که با عوامل مذهبی و فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شوند، امری ثابت و پذیرفته شده است.

از این‌رو در نسبت میان «فضای مقدس» و «رفتار» می‌توان عنوان کرد این دو مولفه دارای اثربخشی در به هم پیوستگی به یکدیگر و در عین حال اهمیت فردی در قلمرو اعمال دینی هستند. اماکن مقدس یادآور اعتقادات مذهبی هستند و بدون تأثیر مستقیم رفتار نیز اهمیت نمادین دارند؛ با این حال، می‌توانند رفتارهای انسان را به طور معناداری هدایت کرده و حس ارتباط با امر متعالی را تقویت کنند (Silberman 2005). رفتارها نیز در این اماکن، عمدتاً توسط باورها، آداب و رسوم و هنجارهای خاص مرتبط با فضا هدایت می‌شوند، در متن فضای مقدس معنا می‌یابند و می‌توانند بر اهمیت فضا بیفزایند (Bhardwaj 1973). از این‌رو یک فضای مقدس زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که با رفتارهای مذهبی مناسب همراه شود (Chidester and Linenthal 1995). اما رفتارها می‌توانند مستقل از فضای مقدس نیز، معنویت را شکل دهند. رفتارها، به‌ویژه رفتارهای مبتنی بر هنجار و ارزش‌های دینی، در ایجاد فضایی معنوی مؤثر است (Ammerman 2007; Heelas 2005). با این وجود، رابطه بین فضای مقدس و رفتار موضوعی ثابت نیست، و در زمینه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی و فردی و به خصوص مبتنی بر جنبه‌هایی از معنویت در انسان متفاوت است (Chidester and Linenthal 1995). در تصویر ۱، این نسبت‌ها نشان داده شده است.

بر اساس تصویر ۱، فضای مقدس و رفتار با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سیستمی مذهبی و معنوی را شکل می‌دهند و تأثیرات متقابل و نقش‌های فردی خود را نمایان می‌سازند. فضاهای مقدس با رفتارهای مذهبی معنای بیشتری پیدا می‌کنند و متن فضا می‌تواند رفتارها را تعریف و معنا بخشد. علاوه بر این، رفتارها در ایجاد فضای معنوی و تبدیل آن به فضای مقدس مؤثر هستند.

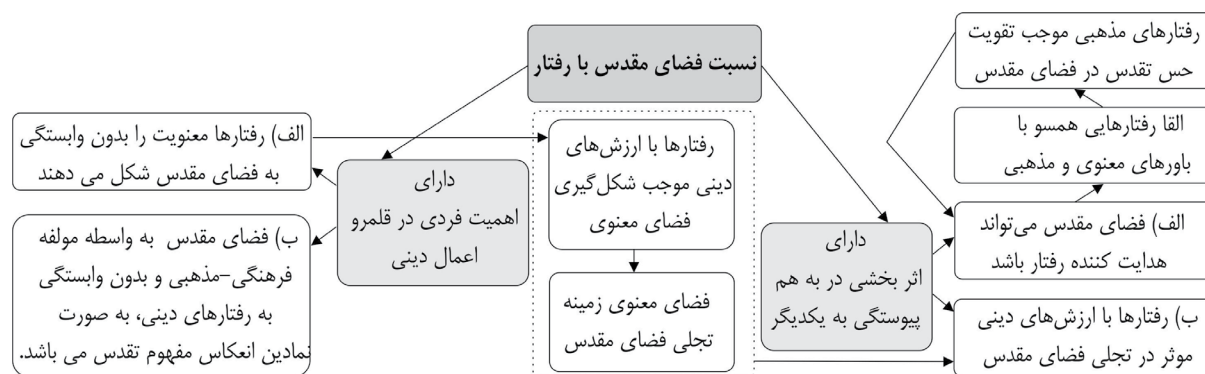
مفاهیم جدول ۱ نشان می‌دهند که معنویت ثابت نیست و در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف معانی متفاوتی دارد و ممکن است در چارچوب‌های مذهبی یا خارج از آن‌ها معنا یابد. اما درحالی‌که معنویت معمولاً مستقل از دین تلقی می‌شود، در اسلام معنویت و دین عمیقاً به هم پیوسته‌اند و ریشه در قرآن و سنت دارند.

۴-۲. تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی

در بسیاری از فرهنگ‌ها، فضای معنوی معمولاً با مکان‌های فیزیکی مرتبط است و می‌تواند فضایی کالبدی یا استعاره‌ای برای پرورش تجربیات معنوی فرد فراهم کند (Eliade 1959). بدین سبب، به نظر می‌رسد مفهوم فضای معنوی در ابعاد ایده مکان‌های فیزیکی را تداعی می‌کند. اما این سوال مطرح می‌شود که آیا فضای معنوی تنها به مرزهای فیزیکی محدود می‌شود؟ فضای معنوی لزوماً محدود به مکان‌های فیزیکی نیست و از محدودیت‌های کالبدی فراتر می‌رود و می‌تواند قلمروی درونی، شخصی و ناملموس باشد که فرد در آن معنویت را تجربه کند (Ammerman 2014). از سوی دیگر، «فضای مقدس» به مکانی فیزیکی اطلاق می‌شود که به‌عنوان مقدس و مورد احترام شناخته می‌شود و اهمیت معنوی دارد (Mazumdar 2004). این فضاها، اغلب نمادی از امر قدسی بوده و بستری برای تقدس محسوب می‌شوند (Turner 1969). علاوه بر مؤلفه‌های مذهبی و فرهنگی، «مناسک و آیین‌ها» و «شیوه‌های رفتاری» نیز در شکل‌گیری فضای مقدس نقش دارند؛ چنانچه مکان مقدس می‌تواند مکانی معمولی باشد که به واسطه مراسم آیینی و همچنین شیوه‌های رفتاری هویت یابد (Kong 2001). بنابراین، رفتارها را می‌توان یکی از عوامل تقویت فضای مقدس دانست که با استمرار آداب، نشانه‌های رفتاری مبتنی بر مکان را ایجاد می‌نمایند (Binte Abdullah Sani 2015). در نتیجه، در برخی مکان‌ها، این «رفتار» و نه ماهیت فضا است که مکان را تقدس می‌بخشد (Jones 2020). حال اگر این فرض وجود داشته باشد که «فضای مقدس می‌تواند معلول رفتاری باشد که در آن رخ می‌دهد» در مورد مکان مقدسی مانند «اورشلیم»، این پرسش مطرح می‌شود که درگیری‌های جاری چه تأثیری بر تجربه زیسته تقدس در آن دارند؟

جایگاه مقدس اورشلیم ریشه در میراث عمیق مذهبی آن دارد. با وجود تأثیر درگیری‌های مداوم بر تجربه تقدس (Tessler 2009) این شهر همچنان مرکز عبادت و زیارت جهانیان باقی مانده است. اورشلیم برای یهودیت، مسیحیت و اسلام مقدس است و هر دین با آن پیوندهای تاریخی و مذهبی خاصی دارد که آن را به مکانی بسیار مقدس تبدیل کرده‌اند.





تصویر ۱. نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی با رفتار

(1959 Eliade 1995);.

با در نظر گرفتن فرض «خانه به عنوان فضایی مقدس» این پرسش مطرح است که تقدس چگونه و تحت تأثیر چه عواملی در ساختار فضایی خانه تجلی می یابد و معنویت چه نقشی در شکل گیری این ساختار دارد؟ برای پاسخ به این پرسش ها، ابتدا عوامل مؤثر در ایجاد فضای مقدس در خانه بر اساس دیدگاه های اندیشمندان به صورت شاخص هایی از جدول ۲ استخراج می شود. سپس، شاخص های مرتبط با فضای مقدس و فضای معنوی، که به ترتیب از جدول شماره ۱ و ۲ به دست آمده اند، در تصویر ۲ به طور تطبیقی مقایسه می شوند.

۳-۴. تحلیل ساختاری فضای خانه از منظر مفهوم

تقدس و مفهوم معنویت

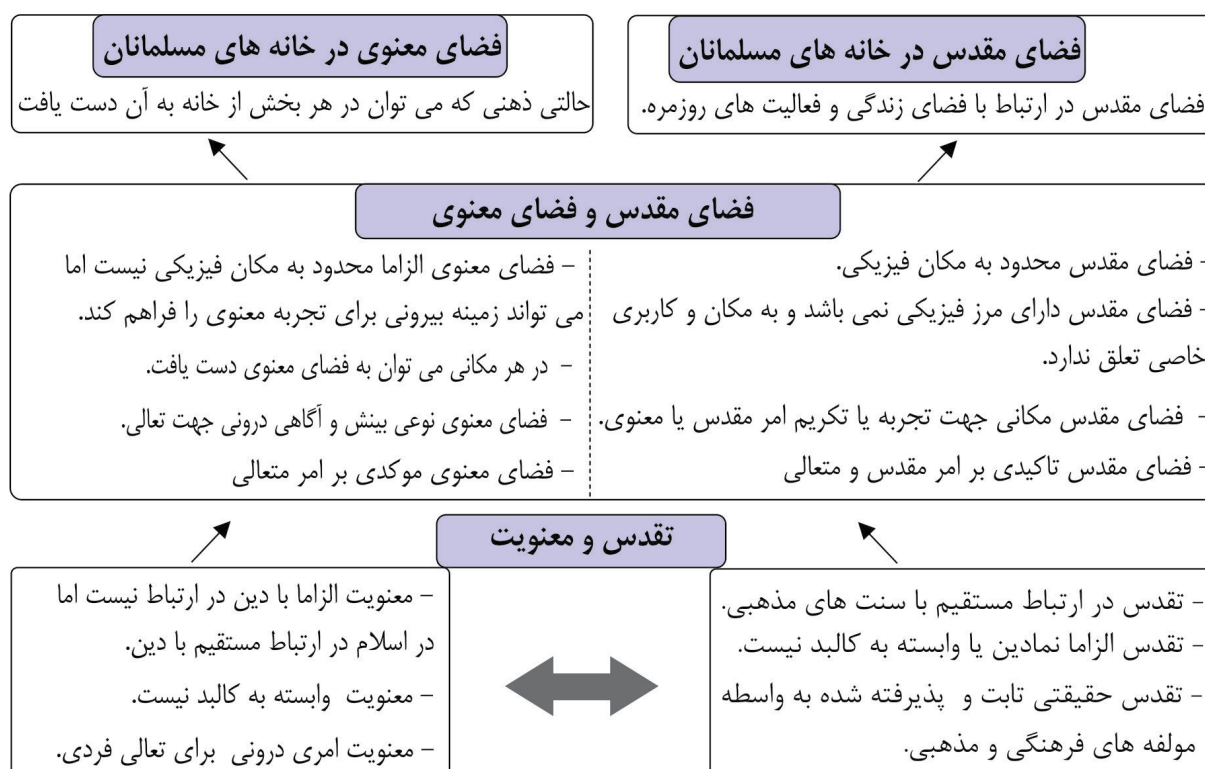
خانه می تواند نمادی فیزیکی، هویتی و مقدس باشد و ارتباط آن با مسجد جنبه های مختلف زندگی مسلمانان را پیوند می دهد (Hakim 1986). این ارتباط، فراتر از معماری مشترک، در زندگی روزمره بازتاب می یابد و مرز میان مذهب و زندگی روزمره را از بین می برد و حس وحدت را تقویت می کند (El Guindi 1999). خانه به عنوان فضایی مقدس، شکل صمیمی تری از تقدس را نمایان می سازد و با هنجارهای اجتماعی و مذهبی تعامل دارد و می تواند به غنای فرهنگی و تکثر مذهبی کمک کند (Chidester and Linenthal).

جدول ۲. عوامل مؤثر در شکل گیری فضای خانه به عنوان مکانی مقدس از دیدگاه ساختارهای علمی-اعتقادی

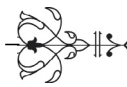
مقوله اصلی	مقوله	رمز
	فضای درون خانه امتدادی از فضای درون اماکن مقدس	فضای داخلی خانه مسلمان، چه از نظر عبادی و چه از نظر هنری، امتدادی از فضای مسجد است (نصر ۱۳۸۶، ۳۷۹).
یگانگی فضای خانه و اماکن مقدس به واسطه یگانگی امر قدسی و غیرقدسی در محیط بر ساخته	یگانگی فضای خانه و اماکن مقدس، بازتابی از رویکرد کلنگر در اسلام	یکپارچگی فضای خانه و اماکن مقدس در شهرهای سنتی اسلامی، دیدگاه کلنگر اسلام را منعکس می کند (Hakim 1986).
	مساجد به عنوان امتداد خانه و موجب پیوند خانه به جامعه	مساجد اغلب به عنوان امتداد خانه عمل می کنند و پیوندهای تشکیل شده در درون خانه را به جامعه گسترش می دهند (Petersen 2002).
	عدم تمایز میان امر قدسی و غیرقدسی در محیط بر ساخته موجب تعبیر خانه، به شکلی از عبادتگاه	از نظر اسلام، هیچ تفاوت ذاتی بین فضای قدسی و غیرقدسی در محیط بر ساخته وجود ندارد؛ لذا خانه می تواند به عنوان عبادتگاه در نظر گرفته شود (Omer 2009، 83).
یکسان نبودن مفاهیم و قوانین فضای مقدس در خانه با بناهای مذهبی	یکسان نبودن مفهوم فضای مقدس در خانه با بناهای مذهبی	مفهوم فضای مقدس در خانه با مفهوم تقدس در بناهای مذهبی یکسان نیست (Dündar 2012، 102).
تفاوت مفاهیم و قوانین فضای مقدس در خانه با بناهای مذهبی	تفاوت مفاهیم و قوانین فضای مقدس در خانه با بناهای مذهبی	مفاهیم و قوانین فضای مقدس در مکانی مانند خانه، از مسیری که در ساختار مسجد یا کلیسا حاکم است پیروی نمی کند (Thielmann 2012).
تجلی بخشی از مفهوم عینی از فضای مقدس در خانه از طریق ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی	مفهوم فضای مقدس در خانه های مسلمانان، دارای مرزهای موقت	مفهوم مکان مقدس در خانه های مسلمانان به واسطه مناسک آیینی و از طریق مرزبندی های موقتی به فضا معنا می دهد. (Simmins 2011، 8)
	مفهوم فضای مقدس در خانه، محدودهای موقت یا دائمی و دارای مرز جهت اجرای مناسک دینی	بخشی از مفهوم فضای مقدس در خانه های مسلمان از طریق ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی به صورت دائمی یا موقت تجلی می یابد (Hendra Siwi et al. 2020، 133).

مقوله اصلی	مقوله	رمز
مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با باورها، فعالیت‌های آیینی و آداب و رسوم ساکنین	مفهوم فضای مقدس در ارتباط با باورهای ساکنین و فعالیت‌های آیینی	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط مستقیم با آداب و رسوم و باورهای ساکنین و از طریق فعالیت‌های آیینی به آن مکان نسبت داده می‌شود (Dündar 2012, 99-103).
مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با	فضای مقدس در خانه در رابطه با آیینها	فضای مقدس در خانه به دلیل آیین‌ها، از سایر بخش‌ها متمایز شده و نشان‌دهنده احترام به اعتقادات فرد است. (Chiranthanut 2020, 19)
مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با فعالیت‌های روزانه	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با مفهوم فضای زندگی (Dündar 2012, 99-103)
انعکاس مفهوم فضای مقدس در ریتیم زندگی روزمره، مرز میان حوزه مذهبی و زندگی روزمره را از میان برمی‌دارد.	یکی از راه‌های تجلی رابطه میان خانه و مسجد از میان برداشتن مرز میان حوزه‌های مذهبی خصوصی و عمومی و مرز میان حوزه مذهبی و حوزه زندگی روزمره است (El Guindi 1999).	
اثربخشی شیوه رفتار و استمرار آن در تقدس‌بخشی به فضا	تمایز میان فضای قدسی و غیرقدسی با شیوه‌های رفتاری و استمرار آداب فضایی شکل می‌گیرد و به تدریج آن مکان را به فضایی مقدس تبدیل می‌کند (Binte Abdullah Sani 2015).	
رفتارهای مذهبی موثر در اهمیت بخشی به فضای مقدس	اهمیت یک فضای مقدس با همراهی رفتارهای مذهبی مناسب افزایش می‌یابد (Chidester and Linenthal 1995).	
رفتارهای مبتنی بر ارزش‌های دینی موثر در ماهیت فضای مقدس	رفتارهای مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های دینی، در تعریف ماهیت فضای مقدس موثر است (Silberman 2005)	
شیوه‌های رفتاری موثر در ایجاد مکانی مقدس	یک مکان مقدس می‌تواند فضایی عادی باشد که از طریق مراسم آیینی و شیوه‌های رفتاری هویتی مقدس می‌یابد (Kong 2001, 218).	

مقایسه تطبیقی مولفه‌های امر مقدس و معنوی در خانه مسلمانان



تصویر ۲. مقایسه تطبیقی مولفه‌های امر مقدس و معنوی در خانه مسلمانان



۱۹۵۱). در ادیان شرقی، امر متعالی به عنوان واقعیتی غایی تلقی می‌شود که به افراد کمک می‌کند از مادیات فراتر روند و به وحدت با واقعیت نهایی دست یابند (Eliade 1958). در اسلام نیز، امر متعالی یکی از ویژگی‌های اصلی تجربه دینی محسوب می‌شود (خدادادی و دیگران ۱۴۰۰، ۱۷).

حال اگر بپذیریم رابطه میان تعالی و امر متعالی می‌تواند از طریق تجربه دینی به دست آید، لذا نیاز انسان به امر متعالی نیازی وجودی است، یعنی این نیاز بر ساخته ذهن و روان انسان نیست تا متعلق آن نیز ساخته ذهن باشد، بلکه نیازی ذاتی و وجودی است و در نتیجه متعلق آن نیز امری وجودی و عینی است (گیسلر ۱۳۹۱، ۱۲۰-۱۲۱). بنابراین، اگر تعالی را نیازی درونی با مدلولی بیرونی بدانیم، می‌توان خانه را از دیدگاه اسلام متعلق عینی برای مفهوم تعالی در نظر گرفت؛ زیرا هدف غایی مسکن در اسلام، زمینه‌سازی برای تعالی انسان است (پورمند و ملاذی ۱۳۹۴، ۸). مفهوم «خانه مسلمانان به عنوان مکانی برای تعالی» (حمزه‌نژاد و دشتی ۱۳۹۵، ۲۵) ریشه در آموزه‌های اسلام دارد که بر ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری، رشد معنوی، توسعه فردی و رشد اجتماعی تأکید دارد؛ جایی که آموزش ارزش‌ها و اخلاق اسلامی بخشی اساسی از رشد معنوی خانه محسوب می‌شود. تعالی همچنین مستلزم تعلیم و تربیت است که هم بر توسعه فردی و هم رشد اجتماعی تأثیرگذار است، به این معنا که فرد بتواند در سطح توانایی خود یاد بگیرد. در این راستا، کمک به فرد در کشف استعداد و ظرفیت‌های بالقوه‌اش بخشی از برنامه تعالی است (Koppman 2008). بنابراین این طور نیست که سطحی باشد که آن را تعالی نامند و ما بتوانیم به آن برسیم (ازگلی ۱۳۹۱، ۱۶۵). در تصویر ۳ ارتباط میان فضای مقدس و معنوی در خانه و نقش آن‌ها در مفهوم تعالی، تحلیل و مشخص شده است.

یافته‌های جدول ۲ به سه موضوع اشاره دارد. اول آنکه، فضای مقدس در خانه می‌تواند با توجه به عوامل مختلفی تجلی یابد که شامل آداب و رسوم ساکنین، رفتارهای مبتنی بر ارزش‌های دینی، و ادغام مذهب با فعالیت‌های روزمره است. دوم، اگر فضای مقدس در خانه مرزبندی شده باشد، با دیدگاه اسلامی که آن را مرتبط با زندگی روزانه می‌داند، در تناقض است. و سوم، قوانین و مفاهیم فضای مقدس در خانه با امکان مذهبی تفاوت دارد. موارد مربوط به موضوعات دوم و سوم در بخش یافته‌ها تحلیل خواهند شد.

در تصویر ۲، شاخص‌های به‌دست‌آمده از جداول ۱ و ۲ که به مفاهیم معنویت و تقدس و ابزارهای مرتبط با تجلی آنها در فضای خانه پرداخته‌اند، به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند. این مقایسه با بیان برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مولفه، در درک ارتباط متقابل میان آنها و نقششان در تجلی فضای مقدس در خانه مؤثر است.

مقایسه تطبیقی عناصر مقدس و معنوی در تصویر ۲ به شناسایی ویژگی‌های هر مولفه و بررسی تأثیر متقابل آن‌ها در تعریف خانه به عنوان مکانی برای فرد مسلمان می‌پردازد. داده‌ها نشان می‌دهند که تقدس و معنویت هر دو بر امر متعالی تأکید دارند و فضایی برای تعالی فرد در خانه ایجاد می‌کنند، مفهومی که در زندگی روزمره نقشی کلیدی دارد. حال پرسش اصلی این است که «تعالی در خانه چه مفهومی دارد و چگونه می‌توان رابطه میان تعالی و امر متعالی در خانه را توضیح داد؟»

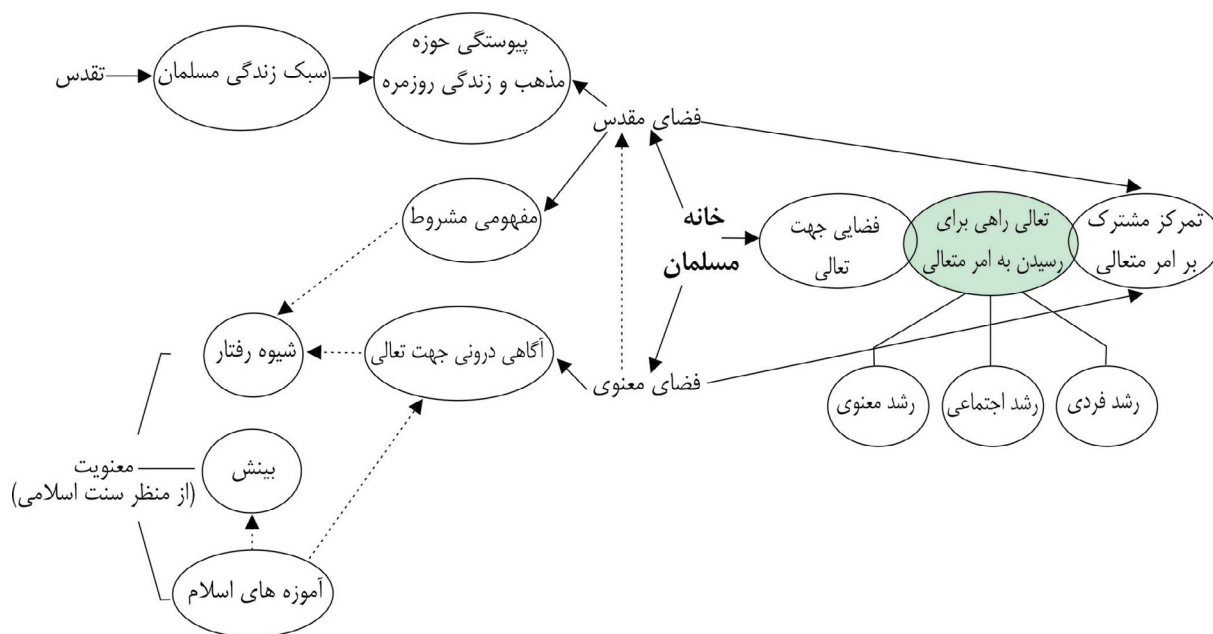
۵. بحث و یافته‌ها

۵-۱. تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی

در خانه

تمامی نظام‌های تعلیم و تربیت و ادیان دارای یک ایده‌آل نهایی مشترک هستند و آن، نهادینه‌سازی میل به تعالی در انسان‌هاست (ازگلی ۱۳۹۱، ۱۶۹). اگر تعالی را به معنای «تعقیب معنا و هدفی فراتر از خود، که در آن افراد احساس عمیقی از ارتباط با چیزی برتر از خود دارند» (Maslow 1964) در نظر بگیریم، آنگاه امر متعالی می‌تواند فرآیندی باشد که در آن افراد برای ارتباط با این واقعیت برتر تلاش می‌کنند. اما هر تعالی لزوماً به معنای رسیدن به امر متعالی دینی نیست. خدادادی در این رابطه بیان می‌کند که تعالی می‌تواند فرآیندی عام و جدا از امر متعالی دینی باشد (خدادادی و دیگران ۱۴۰۰، ۱۷). در الهیات، این رابطه اغلب از طریق عرفان و تجربه دینی تبیین می‌شود. برای مثال، در مسیحیت، «متعال» خداوند است که فراتر از درک بشر است و مؤمنان با اعمال متعالی به الوهیت نزدیک می‌شوند (Tillich





تصویر ۳. نسبت میان امر مقدس و معنوی در خانه مسلمانان

به فعالیت‌های آیینی و مذهبی که در آن صورت می‌گیرد، تأیید می‌شود و این فعالیت‌ها ویژگی‌های فضایی چندبعدی را در خانه ایجاد می‌کنند (Dündar 2012, 102). یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که تفاوت‌های فضایی مقدس در خانه و اماکن مذهبی را می‌توان در سه حوزه اصلی مشاهده کرد: ثبات و مشروط بودن، ارتباط با رفتار، و نسبت با فضای معنوی. این تفاوت‌ها در تصویر ۴ به صورت یک مدل مفهومی ارائه شده‌اند.

- ثابت یا مشروط بودن فضای مقدس عوامل «فرهنگی-مذهبی»، «مناسک و آیین‌ها»، و «شیوه‌های رفتاری» از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند در ایجاد فضای مقدس نقش دارند. مؤلفه‌های فرهنگی-مذهبی به قداست مکان‌های مذهبی معنا می‌بخشند؛ مناسک و آیین‌ها این تقدس را تقویت می‌کنند؛ و شیوه‌های رفتاری می‌توانند با تداوم و پایداری به ارزش‌های دینی، حتی مستقل از مکان‌های مقدس، فضایی معنوی شکل دهند. در اماکن مذهبی، تقدس «ثابت» و پذیرفته شده است، اما در فضاهایی مانند خانه، تقدس «مشروط» و وابسته به «شیوه رفتار و تداوم آداب» است.

- نسبت میان فضای مقدس و رفتار تأثیرپذیری دو مؤلفه «فضای مقدس» و «رفتار»، که رابطه‌ای علی با یکدیگر دارند، در اماکن مقدس مذهبی و خانه عکس یکدیگر عمل می‌کنند. در اماکن مذهبی، «قداست فضا» با القای رفتارهای همسو با باورهای معنوی،

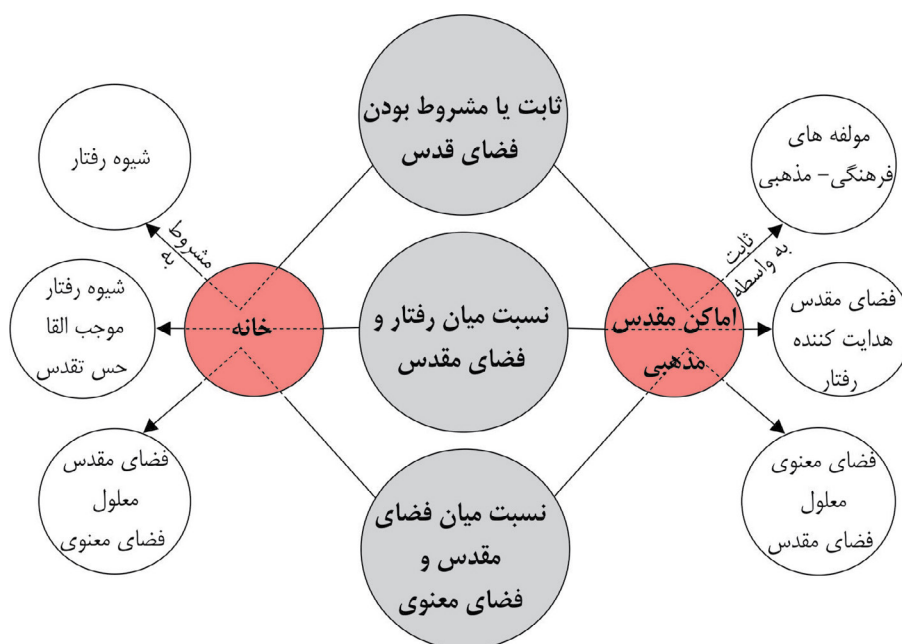
بر اساس پیوندهای مفهومی در تصویر ۳، معنویت به عنوان یک مفهوم درونی و بر پایه باورهای دینی، زمینه‌ساز تعالی فرد و مؤثر بر رفتار او است. این درک به فضای معنوی تبدیل می‌شود که با محدودیت فیزیکی خاصی مواجه نیست و از طریق شیوه رفتار، در هر نقطه از خانه می‌تواند تجربه شده و حس تقدس را القا کند (Heelas 2005; Knott 2005). فضای مقدس نیز، به عنوان یک محیط فیزیکی، امکان تجربه معنوی را فراهم می‌آورد. این دو فضا، از طریق تعامل با فعالیت‌های روزمره، مرز میان دین و زندگی را از میان برم‌دارند و با تمرکز مشترک بر امر متعالی این موضوع را تأکید دارند که خانه مسلمانان به عنوان مکانی جهت تعالی می‌تواند راهی برای رسیدن به امر متعالی باشد.

۵-۲. تفاوت‌های مفهومی فضای مقدس در خانه و اماکن مقدس مذهبی

مفاهیم و قوانین مربوط به فضای مقدس در مکانی مانند خانه، لزوماً همان مسیر ساختارهای مسجد یا کلیسا را دنبال نمی‌کنند (Thielmann 2012). به عنوان مثال، داندن در تحلیلی مفهومی از عبارت «فضای مقدس»، تفاوتی میان این مفهوم در فضای خانه و اماکن مذهبی مانند مساجد قائل می‌شود، اما پاسخی به دلیل این تمایز ارائه نمی‌دهد و تنها بیان می‌کند: «نخانداده مقدس‌ترین مفهوم در اسلام است؛ با این حال، مفهوم فضای مقدس در خانه با تقدس موجود در بناهای مذهبی مانند مساجد یکسان نیست». طهارت خانه، با توجه

رفتار را هدایت می‌کند؛ اما در خانه، «استمرار رفتار» است که با ایجاد «فضای معنوی»، حس «تقدس» را به وجود می‌آورد.

- نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی یکی از عوامل تمایز بین «فضای قدسی» و «غیرقدسی»، شیوه‌های رفتاری و تداوم آداب فضایی است که به تقویت تقدس در فضا کمک می‌کند (Binte Abdullah Sani 2015). بر این اساس، در خانه «فضای مقدس» می‌تواند نتیجه‌ی «رفتار» باشد؛ در این حالت، «فضای معنوی»



Hendra Siwi et al. 2020) هم موقت وجود داشته باشد» (133).

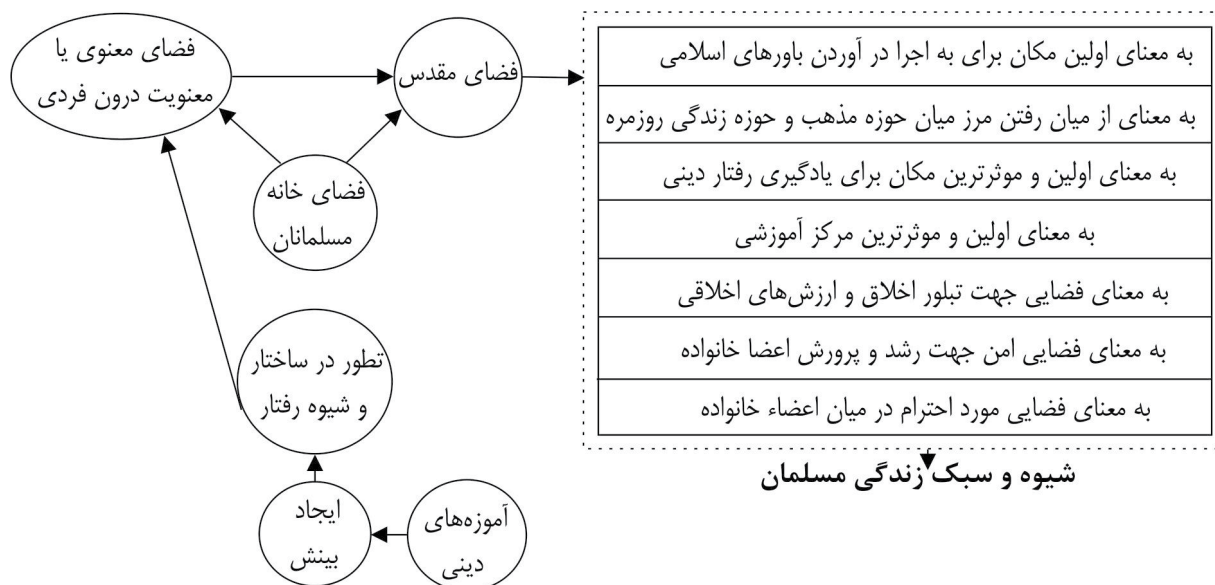
در بررسی مفهوم موقتی بودن فضای مقدس در خانه، باید توجه داشت که «تقدس» مصدر باب تفعّل و به معنی پاک دانستن چیزی یا کسی از هر گونه آلودگی می‌باشد، منتها نه آلودگی به معنای نجاست، بلکه آلودگی به معنای هر گونه زشتی و پلیدی. مقدس نیز اسم مفعول از باب تفعیل می‌باشد و به معنای شخص و یا شیئی است که پاک و مطهر است (طریحی ۱۳۷۵، ۹۴). لذا تقدس در خانه نمی‌تواند بر اساس مرزبندی‌های فیزیکی سنجیده شود. همچنین با وجود تعلق فضای مقدس به مکان‌های کالبدی، این مفهوم به معنای تقسیم فضای خانه به بخش‌های قدسی و غیرقدسی نیست. چنانچه در هنر و معماری اسلامی، تفکیک این ساختار به دو ساحت دینی و غیر دینی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ فضای مقدس

در تبیین مفهوم فضای مقدس در خانه، این برداشت در شماری از منابع وجود دارد که برخی مفهوم فضای مقدس را اولاً، امری موقت تعبیر می‌کنند و ثانیاً محدوده‌ای مرزبندی شده می‌دانند؛ چنانچه سیمینز عنوان می‌کند «بخشی از مفهوم عینی از مکان مقدس در خانه‌های مسلمانان زمانی ظاهر می‌شود که از طریق مرزبندی به مثابه فضایی مقدس تعبیر شود که این امر به طور موقت به فضا معنا می‌بخشد» (Simmins 2011, 8). او مرزهای فیزیکی را با عواملی همچون «فضای سجده» و «گردش کفش‌ها در مکان» در ارتباط می‌داند. هندرا سیوی ضافه می‌کند «این مفهوم از فضای مقدس که از طریق ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی تجلی می‌یابد می‌تواند هم به صورت دائمی و

با فعالیت‌های روزمره پیوند می‌خورد، مرزها را حذف کرده و آن را در معنای زندگی تجلی دهد. این مفهوم، نهاد خانه به همراه مجموعه فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی و آموزشی در آن را در بر می‌گیرد. همانطور که در تصویر ۵ قابل مشاهده است، فضای مقدس در خانه در عوامل مختلفی قابل تفسیر است که بازتاب سبک زندگی فرد مسلمان محسوب می‌شود.

با زندگی روزمره ادغام می‌شود و مرزهای میان مذهب و زندگی روزمره را محو می‌سازد. چنانچه نصر بیان دارد معماری اسلامی از دل مسجد نشو و نما می‌کند و به فضاهای دیگر همچون خانه و بازار گسترش یافته است، به‌طوری که این فضاها با حفظ وحدت ساختاری به هم متصل و هماهنگ می‌شوند (نصر ۱۳۸۶، ۳۷۹-۳۹۱).

مبتنی بر این دیدگاه، فضای مقدس در خانه، هنگامی که



تصویر ۵. مفهوم فضای مقدس در خانه مسلمانان

که تحت عنوان «فضای کالبدی به‌عنوان نقطه شروع تجربه معنوی» یا «فضای کالبدی به‌عنوان بستر معنویت» مطرح می‌شود، سه مبحث مهم یعنی «نسبت علیت میان فضای مقدس و معنوی»، «مرزبندی فضای مقدس در خانه»، و «عوامل مؤثر در تجلی تقدس در خانه» را به چالش می‌کشد و می‌تواند به مفاهیم متناقضی منجر شود. در جدول ۳، شواهد و تناقض‌های مفهومی از تحلیل این سه موضوع ارائه و پس از توضیحات لازم، مورد تفسیر و استدلال قرار خواهند گرفت.

در اینجا به برخی شواهد تجربی در ارتباط با موضوعات حاصل از این بخش اشاره داریم که به سه مبحث «مرزبندی فضای مقدس در خانه»، «مفهوم تقدس و عوامل مرتبط با آن»، و «نسبت فضای مقدس و معنوی در خانه» می‌پردازد. کتاب «یک شهر اسلامی زنده: فاس و حفظ آن» حاصل تجربه‌های مستقیم بورکهارت از حضور در شهر فاس و همکاری با یونسکو در پروژه‌های حفاظتی این شهر است. او خانه‌های سنتی فاس را به‌عنوان فضایی مقدس بررسی کرده و به رابطه میان معماری اسلامی و معنویت در زندگی روزمره می‌پردازد. شواهدی که از نتیجه بررسی‌های بورکهارت در ارتباط با فضای مقدس در خانه‌های فاس ارائه شده است این چالش را ایجاد می‌کند که او دو دیدگاه متفاوت درباره نحوه تجلی فضای مقدس در خانه دارد. در دیدگاه نخست، بورکهارت معتقد است فضای مقدس بستر و زمینه‌ای برای ایجاد تجربه معنوی است، و در دیدگاه دوم، بورکهارت بر این باور است که شیوه زندگی و رفتارهای دینی افراد است که به خانه تقدس می‌بخشد (Burckhardt، ۱۹۸۷، ۳۴-۴۶) دیدگاه اول

جدول ۳. قراین و شواهدی از مفهوم فضای مقدس در خانه

مشاهده	مسئله
بورکهارت خانه‌های سنتی فاس را فضایی مقدس می‌داند که برای زندگی مادی و مناسک مذهبی طراحی شده‌اند و محراب‌های خانگی را به‌عنوان مکان‌هایی برای عبادت معرفی می‌کند که معنویت روزمره مردم را تقویت می‌کنند. او به تفاوت میان فضاهای عمومی و خصوصی اشاره کرده و بیان می‌کند که فضاهای خصوصی برای انجام مناسک مذهبی و تأملات شخصی در نظر گرفته شده و با معنویت اسلامی مرتبط هستند (Burckhardt 1987, 34).	مرزبندی فضای مقدس در خانه
بورکهارت فضای مقدس و معنوی در خانه‌های سنتی فاس را با عناصری فیزیکی مانند محراب‌های خانگی و حیاط‌های مرکزی معرفی می‌کند که به معنویت خانواده‌ها کمک می‌کنند. (Burckhardt 1987, 34)	تقدس در خانه و عوامل مرتبط با آن
بورکهارت فضای مقدس را بستر مناسبی برای تجربه معنوی می‌داند. او به محراب‌های خانگی به‌عنوان نقاط تمرکز معنوی اشاره می‌کند که ساکنان را به تفکر عمیق‌تر و ارتباط با امر متعالی هدایت می‌کند. (Burckhardt 1987, 34)	نسبت فضای مقدس و معنوی در خانه

محور «منشأ تقدس»، «رابطه میان رفتار و فضای مقدس»، و «نسبت مفهومی فضای مقدس و فضای معنوی» مطرح کرد که چنین بیان می‌کنند:

۱. مفهوم تقدس و فضای مقدس در اسلام، مفهومی عمیق و مشخص است که مبانی و منابع آن در قرآن و احادیث معصومین به طور کامل تبیین شده است. از آنجا که اسلام تنها دینی است که بر اساس قرآن و سنت معصومین به‌طور کامل حفظ شده است، مفهوم تقدس به‌طور جامع و مانع تنها از دیدگاه اسلام قابل تعریف است - این مطالعات نیازمند انجام تحقیقات بیشتر است که می‌تواند در قالب مقالات جدید مورد بررسی قرار گیرد-.

۲. امر قدسی، امری جبری و وابسته به مکان نیست و فرقی در فضاهای با موضوع مذهبی و خانه ندارد. به طوری که فضای مقدس مذهبی ثابت نیست و وابسته به رفتار انسان است و مکان، چه عبادتگاه و چه خانه، مستقل از تعامل انسان با آنها فاقد قدسیت و معناست.

۳. فضای مقدس و فضای معنوی دارای مفاهیم متمایز نیستند. هر دو مکان هستند و با حضور انسان و مبتنی بر تعاملات انسان، معنای مثبت یا منفی پیدا می‌کنند.

از دیدگاه این مقاله، مفهوم تقدس در خانه مسلمانان - که از دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است - از سه جنبه مورد مطالعه قرار گرفته است. اول آنکه چرا خانه می‌تواند به مانند فضایی مقدس باشد و چه عواملی به خانه تقدس می‌بخشد؟ دوم، اگر این فرض وجود داشته باشد که خانه فضایی مقدس است آنگاه چه تفاوت‌هایی در مفهوم تقدس در خانه با اماکن مقدس مذهبی وجود دارد؟ و سوم چه نسبتی میان فضای مقدس با فضای معنوی به‌عنوان مفاهیمی که به شکل معادل به کار می‌روند، برقرار است و این دو مقوله چگونه رابطه میان تعالی و امر متعالی را در خانه ایجاد می‌کنند؟ نتایج مقاله در پاسخ به سوالات مطرح در سه بخش عنوان گردیده است:

۱. خانه به‌عنوان امتداد فضای مسجد، مکانی برای آموزش اسلامی و تربیت فردی و اجتماعی است. این فضا با حذف مرز

در توضیح هر یک از شواهد جدول ۳، سه نکته کلیدی به ترتیب زیر مطرح می‌شود:

۱. بورکهارت به‌طور مشخص، با تفکیک فضاهای خانه تحت عنوان «فضای عمومی و خصوصی»، بخش‌هایی از خانه را که به انجام مناسک مذهبی و تأملات شخصی اختصاص دارند، از سایر فضاها تفکیک کرده و آن را «فضاهای مقدس» می‌نامد.

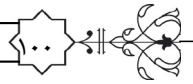
۲. بورکهارت بر نقش معماری در تقویت معنویت تأکید دارد، اما به تناقض موجود در تجربه معنویت درون‌فردی بدون نیاز به فضاهای فیزیکی اشاره‌ای نمی‌کند. در حالی که تقدس بیشتر با تجربه درونی فرد مرتبط است تا با فضای فیزیکی.

۳. بورکهارت معتقد است که فضای مقدس به‌عنوان بستری برای ایجاد و تقویت معنویت عمل می‌کند.

این تناقض در مفاهیم بورکهارت ممکن است از دو رویکرد متفاوت او به فضای مقدس و معنوی ناشی شود؛ چرا که در برخی موارد، او فضای فیزیکی را به‌عنوان بستری برای تجربه معنوی معرفی می‌کند؛ در حالی که در مواقع دیگر بر این نکته تأکید دارد که معنویت درونی مستقل از فضاهای فیزیکی قابل تجربه است. برای رفع این تناقض، می‌توان این دو دیدگاه را به‌عنوان مکمل یکدیگر در نظر گرفت. بورکهارت بر این باور است که فضای فیزیکی و معنویت درونی می‌توانند به‌طور هم‌زمان و متقابل یکدیگر را تقویت کنند. با این حال، شرط اصلی برای تجلی فضای مقدس در خانه، معنویت درونی است و نه صرفاً حضور نمادهای فیزیکی مقدس. نمادهای کالبدی فضای مقدس تنها به‌عنوان تسهیل‌کننده عمل می‌کنند و معنویت حقیقی از درون فرد نشأت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مقاله حاضر نظرات متفاوتی وجود دارد. این نظرات از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده و ممکن است نظرات جدید دیگری را نیز مطرح نماید. از جمله، برخی دیدگاه‌ها درباره مفهوم تقدس در خانه را می‌توان در سه



میان مذهب و زندگی روزمره، به زندگی قداست می‌بخشد و خانه را به فضایی مقدس تبدیل می‌کند. این هم‌پیوندی میان خانه و اماکن مقدس، با سبک زندگی و رفتار فرد مسلمان هماهنگ است.

۲. اگر چه خانه می‌تواند به مانند فضایی مقدس عمل کند، اما مفاهیم فضای مقدس در خانه، تماماً از مسیری که در ساختار اماکن مقدس حاکم است پیروی نمی‌کند. این تفاوت در مقاله حاضر در سه حوزه مشخص گردیده است؛ اولین موضوع «ثابت» و «مشروط» بودن فضای مقدس است، در اماکن مقدس مذهبی، فضای مقدس به واسطه عوامل «فرهنگی و مذهبی» امری پذیرفته شده و «ثابت» است، اما در خانه فضای مقدس «مشروط» به «شیوه رفتار» و استمرار آن است. دوم نسبت میان فضای مقدس و رفتار است؛ که در اماکن مذهبی و خانه تأثیرپذیری این دو مولفه از هم عکس یکدیگر می‌باشد، یعنی در اماکن مقدس مذهبی، «قداستِ فضا»، «رفتار» را هدایت می‌کند، اما در «خانه»، فضای معنوی به واسطه شیوه رفتار حس تقدس را القا می‌کند. و سوم نسبت علی میان فضای مقدس و فضای معنوی است، در اماکن مقدس مذهبی که «قداست» پیش‌فرض فضا و هدایت‌کننده رفتار است، فضای مقدس علت و فضای معنوی در نتیجه آداب فضایی معلول آن است؛ در حالی که در خانه «فضای معنوی» علت و «فضای مقدس» به شرط شیوه رفتار معلول می‌باشد. اما تناقضی که در ارتباط با موضوع مطرح در برخی از دیدگاه‌ها از جمله بورکهارت قابل اشاره می‌باشد آن است که او با اطلاق فضای مقدس به فضاهای تفکیک‌شده خصوصی در خانه، علی‌رغم آنکه آن را نشان‌دهنده اهمیت دین در زندگی روزمره می‌داند؛ اما تجلی فضای مقدس را به طور مشخص در انجام

مناسک دینی و دارای مرز می‌بیند. مضافاً در این دیدگاه، فضای مقدس بستر و زمینه‌ای برای ایجاد تجربه معنوی قلمداد می‌شود. با این حال، او در تناقضی آشکار، تأکید می‌کند که معنویت درونی مستقل از فضاهای فیزیکی نیز قابل تجربه است. اگر چه این دو رویکرد متناقض بورکهارت در ارتباط با مولفه‌های فضای فیزیکی و معنویت درونی می‌توانند به طور متقابل یکدیگر را تقویت کنند، اما تأکید اصلی بر این است که معنویت درونی شرط لازم برای تجلی تقدس در خانه است. فضاهای فیزیکی مقدس تنها به‌عنوان تسهیل‌کننده عمل می‌کنند و معنویت حقیقی از درون فرد ناشی می‌شود. ۳. در خانه مسلمانان، «فضای مقدس» و «فضای معنوی» با وجود نقش‌های متفاوتشان در ارتباط با یکدیگر، به تسهیل تجربه‌ای تعالی‌بخش می‌پردازند. معنویت محدود به دینداری نیست و می‌تواند به‌صورت مستقل وجود داشته باشد، اما در اسلام معمولاً با اعمال دینی همسو است. فضای معنوی در تمام زندگی روزمره جاری است و از مرزهای فیزیکی فراتر می‌رود، در حالی که فضای مقدس به‌عنوان مکانی فیزیکی برای عبادات، زمینه‌ای برای رشد فردی و اتصال به امر الهی فراهم می‌آورد. این هم‌افزایی، خانه را به مکانی برای دستیابی به تعالی و نزدیک شدن به امر متعالی تبدیل می‌کند. لذا هر چند مفهوم تعالی در خانه چیزی بیش از یک رابطه علت و معلولی در امور می‌باشد، اما اگر خانه در اسلام فضایی مقدس و مکانی است که زمینه را برای دستیابی به رشد و تعالی فرد فراهم آورد و از سویی تمرکز مشترک فضای مقدس و فضای معنوی تأکید بر امر متعالی باشد لذا خانه مسلمانان به‌عنوان مکانی جهت تعالی می‌تواند راهی برای رسیدن به امر متعالی باشد.

منابع

- ازگلی، محمد. ۱۳۹۱. درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی ۴ (۲): ۱۵۱-۱۸۱.
- پورمند، حسن علی، و فاطمه طباطبایی. ۱۳۹۴. الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی- اسلامی (بررسی موردی خانه رسولیان یزد). پژوهش‌های معماری اسلامی ۳ (۴): ۳-۱۷.
- حمزه‌نژاد، مهدی، و مینا دشتی. ۱۳۹۵. بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. نقش جهان ۶ (۲): ۲۴-۳۵.
- حمیدیه، بهزاد. ۱۳۹۶. نسبت مفهومی معنویت و دین. پژوهشنامه ادیان ۱۱ (۲۲): ۷۹-۱۰۶.
- خدادادی، حسین، غلامحسین خدری، افلاطون صادقی، و مهین رضایی. ۱۴۰۱. عینیت امر متعالی بر پایه دو مولفه نیاز درونی و تجربه بیرونی در اندیشه نورمن گیسلر. پژوهشنامه فلسفه دین ۲۰ (۲): ۱-۲۲.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵. مجمع البحرین، جلد ۴. تهران: مرتضوی.
- گیسلر، نورمن. ال. ۱۳۹۱. فلسفه دین. ترجمه‌ی حمیدرضا آیت‌اللهی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نصر، سید حسین. ۱۳۸۶. اسلام سنتی در دنیای متجدد. ترجمه محمد صالحی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه وحید قاسمیان. تهران: حکمت.



References

1. Ammerman, N. T. 2007. *Everyday Religion: Observing Modern Religious Lives*. Oxford: Oxford Scholarship Online.
2. Ammerman, N. T. 2014. Spiritual but Not Religious? Beyond Binary Choices in the Study of Religion. *Journal for the Scientific Study of Religion* 52 (2): 258-278.
3. Bhardwaj, S. M. 1973. *Hindu Places of Pilgrimage in India: A Study in Cultural Geography*. Berkeley: University of California Press.
4. Binte Abdullah Sani, H. 2015. Corporeal Poetics of Sacred Space: An Ethnography of Jum'ah in a Chapel. *Space & Culture* (18): 298-310.
5. Burckhardt, T. 1987. *A Living Islamic City: Fez and Its Preservation*. London: Islamic Texts Society.
6. Chidester, D. and Linenthal, E. T. 1995. *American Sacred Space*. Bloomington: Indiana University Press.
7. Chiranthan, C. 2020. Inherent Wisdoms and the Roles of Sacred Spaces in Spatial Organization of Vernacular Houses. Paper Presented at *HERITAGE2020 (3DPaSt | RISK-Terra) International Conference*, Valencia, Spain, 9-12.
8. Dündar, M. 2012. Concept of 'Sacred Space' in Traditional Turkish Architecture. Paper Presented at the *2nd International Conference on Archi-Cultural Translations through the Silk Road*, Mukogawa Women's University. Nishinomiya. Japan.
9. Durkheim, É. 1912. *The Elementary Forms of Religious Life*. Glencoe, IL: The Free Press.
10. El Guindi, F. 1999. *Veil: Modesty, Privacy and Resistance*. London: Bloomsbury Academic.
11. Eliade, M. 1958. *Yoga: Immortality and Freedom*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
12. Eliade, M. 1959. *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion*. New York: Harcourt, Brace & World.
13. Geisler, N. L. 2012. *Philosophy of Religion*. Grand Rapids, MI: Baker Academic.
14. Geisler, N. L. 2012. *Philosophy of Religion*. Translated by Hamidreza Ayatollahi. Tehran: Islamic Culture and Thought Publications.
15. Gross, Z. 2006. Spirituality, Contemporary Approaches to Defining. In *Encyclopedia of Religious and Spiritual Development*. Edited by Elizabeth M. Dowling and W. George Scarlett, 315-317. London: Sage Publications.
16. Hakim, B. S. 1986. *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. London: KPI.
17. Hamidieh, B. 2017. A Probe about the Nuances between Spirituality and Religion. *Journal of Religious Studies* 22(11): 79-106.
18. Hamzenejad, M, and M. Dashti. 2016. Iranian Traditional Houses from the Perspective of Phenomenologists and Moral Traditionalists. *Naqshejahan* 6 (2): 24-35.
19. Hassner, R. E. 2009. *War on Sacred Grounds*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
20. Heelas, P. 2005. *The Spiritual Revolution: Why Religion is Giving Way to Spirituality*. Oxford: Blackwell Publishing.
21. Hill, P. C., et al. 2000. Conceptualizing Religion and Spirituality: Points of Commonality, Points of Departure. *Journal for the Theory of Social Behavior* 30 (1): 51-77.
22. Johnson, L. 2019. *The Role of Rituals in Islamic Spirituality*. Islamic Culture Journal.
23. Jones, L. 2020. *Organized Religion and Individual Spirituality: A Study of Dichotomy*. *International Journal of Religious Studies* 34 (2).
24. Jung, C. G. 1964. *Man, and His Symbols*. New York: Doubleday.
25. Khodadadi, H., G. Khedri, A. Sadeghi, and M. Rezaei. 2021. The Objectivity of the "Transcendent" Based on the Two Components of "Inner Need" and "External Experience" in the Thought of Norman L. Geisler, *Philosophy of Religion Research* 20 (2): 1-22.
26. Knott, K. 2005. *The Location of Religion: A Spatial Analysis*. Sheffield: Equinox.
27. Kong, L. 2001. Mapping 'New' Geographies of Religion: Politics and Poetics in Modernity. *Progress in Human Geography* 25 (2).
28. Koppman, P. 2008. Excellence: What Is It? Whose Job Is It? IRA, ARF Cosponsored Session. *Yearbook of the American Reading Forum*.
29. Lamont, M., and V. Molnár. 2002. The Study of Boundaries in the Social Sciences. *Annual Review of Sociology* 28 (1): 167-195.

30. Lewis, E. 2004. Posture as a Metaphor for Biblical Spirituality. In *The Destructive Power of Religion: Violence in Judaism, Christianity and Islam*. Edited by J. Ellens, vol. 4, 213–226. Westport, CT: Greenwood Press.
31. Maslow, A. H. 1964. *Religions, Values, and Peak Experiences*. Columbus, OH: Ohio State University Press.
32. Mazumdar, S., and Mazumdar, S. 1993. Sacred Space and Place Attachment. *Environmental Psychology* 13(3): 231-242.
33. Mohd Amin, W. M. A., M. Ahmad, and A. Abdul Rahim. 2018. Islamic Spirituality and Its Impact on Life as a Muslim. *AL-ITQAN: Journal of Islamic Sciences and Comparative Studies* 2 (1): 63-78.
34. Nasr, S. H. 2007. *Traditional Islam in the Modern World*. London: Kegan Paul International.
35. Nasr, S. H. 2010. *Islamic Art and Spirituality*. Cambridge: Islamic Texts Society.
36. Nelson, James M. 2009. *Psychology, Religion and Spirituality*. New York: Springer.
37. Omer, Spahic. 2009. Some Lessons from the Holy Qur'an on Housing. *Al-Shajarah* 14 (1).
38. Ozgholi, M. 2012. An Introduction to the Typology and Definition of Human Resource Excellence in Some Humanistic Schools. *Journal of Research in Human Resources Management* 4 (2): 151-181.
39. Petersen, A. 2002. *Dictionary of Islamic Architecture*. London: Routledge.
40. Pourmand, H., and F. Tabatabaei Malazi. 2016. The Latent Pattern of Spatial Arrangement in Iranian-Islamic Houses (Case study of Rasoulia House, Yazd). *Journal of Researches in Islamic Architecture* 3(4): 3- 17.
41. Roehlkepartain, E., P. Benson, P. King, and L. Wagener. 2006. Spiritual Development in Childhood and Adolescence: Moving to the Scientific Mainstream. In *The Handbook of Spiritual Development in Childhood and Adolescence*. Edited by E. Roehlkepartain, P. King, L. Wagener, and P. Benson, 35–47. Thousand Oaks, CA: Sage.
42. Roof, W. C. 1999. *Spiritual Marketplace: Baby Boomers and the Remaking of American Religion*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
43. Schneiders, S. M. 1998. The Study of Christian Spirituality: Contours and Dynamics of a Discipline. *Christian Spirituality Bulletin* 6 (1).
44. Selengut, C. 1996. *Sacred Fury: Understanding Religious Violence*. Lanham, MD: Rowman Altamira.
45. Sheldrake, P. 2007. *A Brief History of Spirituality*. Malden, MA: Wiley-Blackwell.
46. Silberman, I. 2005. Religion as a Cultural System: The Interplay between Religion and Society. *Anthropological Quarterly* 78 (2): 1- 19.
47. Siwi, H., 2020. *Preserving Social Sustainability through the Demarcation of Sacred Spaces in Muslim Homes*. pp. 133-143.
48. Smith, J., and R. Roeser. 2019. Spirituality, Religion, and Positive Youth Development. *Adolescent Research Review* 4 (1).
49. Takahashi, M., and S. Ide. 2003. Implicit Theories of Spirituality across Three Generations: A Crosscultural Comparison in the U.S. and Japan. *Journal of Religious Gerontology* 15 (4).
50. Tarehi, F. 1996. *Majma' al-Bahrain, Vol. 4*. Tehran: Mortezaei.
51. Tessler, M. 2009. *A History of the Israeli-Palestinian Conflict*. Bloomington, IN: Indiana University Press.
52. Thielmann, J. 2012. *Competing Space, Contested Places: Muslim Struggles for Place, Space, and Recognition at a German University*. In *Prayer in the City: The Making of Muslim Sacred Places and Urban Life*. Edited by P. A. Despalt and D. E. Schulz, 213–227. London: Transaction.
53. Tillich, P. 1951. *Systematic Theology, Vol. 1*. Chicago: University of Chicago Press.
54. Tuan, Y.-F. 1976. *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
55. Turner, V. 1969. *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. London: Aldine Transaction.
56. V cf- Mazumdar, S., and S. Mazumdar. 2004. Religion and Place Attachment: A Study of Sacred Places. *Journal of Environmental Psychology* 24 (3): 385-397.